

مطالعه تطبیقی تحولات حقوق بشری در قانون آیین دادرسی کیفری و

اسناد بین‌المللی

محمدجواد جاوید*

عصمت شاهمرادی**

۱۳۹۶/۰۲/۲۵

۱۳۹۵/۱۰/۱۳

چکیده

اجرای قانون جدید آیین دادرسی کیفری ۹۲ و اصلاحات ۹۴ آن، اسباب دیدگاه‌های متنوع و نظریه‌های بعضاً متعارضی در خصوص محتوای اولیه این قانون شده است. موافقت یا مخالفت در مورد اصلاحات وارده از منظر مبانی حقوق بشر و شهروندی یکی از حوزه‌های اختلاف آرا است. منظور از تحولات حقوق بشری، مباحث مربوط به تحول مفاهیم حقوق بشری، جایگاه قانون آیین دادرسی جدید در نوآوری واژگان حقوق بشری، ارتباط آن با کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری مرتبط، جهان شمولی‌های حقوق بشری که در قانون جدید لحاظ شده است، و تغییرات مثبت در جهت حفظ و ارتقای وضعیت حقوق بشر افراد به منظور بهره‌مندی بیشتر از حقوق کیفری در نظام قضایی ایران می‌باشد. مقاله حاضر با مفروض دانستن تناسب قانون آیین دادرسی کیفری با استانداردهای بین‌المللی، در پی پاسخگویی به این سوال است که با در نظر گرفتن حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی، و اصول اساسی درباره نقش وکلا، تا چه میزان و در چه حوزه‌هایی می‌توان انطباق موجود را مثبت ارزیابی کرد. نتیجه بررسی نشان

*. دانشیار و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

jjavid@ut.ac.ir

**دکترای حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

eshahmoradi@ut.ac.ir

می‌دهد که قانون جدید از لحاظ حقوق بشری با در نظر گرفتن ابعاد کمی و کیفی دارای مزیت‌های بالایی است و این رویکرد در حقوق ایران نوین است.

واژگان کلیدی:

حقوق بشر، قانون آیین دادرسی کیفری، اسناد بین‌المللی، حقوق متهم، ایران

مقدمه

مفاد آیین دادرسی کیفری کشورها تضمین کننده بخشی از حقوق بشر افراد است که به سختی می‌توان آنرا ذیل حقوق شهروندی و دارای نسبیت دانست. آیین دادرسی کیفری دارای اصول بنیادین و از پیش تعیین شده‌ای برای تضمین حقوق بنیادین افراد است، در حالی که حقوق شهروندی، به بررسی حقوق افراد در رابطه میان آنها به عنوان شهروندان یک دولت، و به صورت نسبی با توجه به جایگاه اجتماعی، مذهبی و وفاداری شهروندان نسبت به دولت بررسی می‌شود. این در حالی است که نقد و بررسی آیین دادرسی ذیل حقوق شهروندی میسر نیست و لذا نمی‌تواند دست دولت را در اقدامات دلخواهانه باز بگذارد. از این رو معطوف کردن حقوق کیفری افراد به جایگاه شهروندی آنان ممکن است در مراحل نقض حقوق بشر آنان محسوب شود.

با این وصف با توجه به اجرای قانون جدید آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در تیرماه ۱۳۹۴، و اصلاحاتی که متعاقب تصویب آن انجام شد، نگاههای مختلف و متعارضی در خصوص محتوای اولیه این قانون و موافقت یا مخالفت اصلاحات وارده و سایر مفاد آن با مبانی حقوق بشر و شهروندی وجود دارد. این مقاله با مفروض دانستن تناسب این قانون با استانداردهای بین‌المللی، در پی پاسخگویی به پرسش سبک و چگونگی ویا بهتر بگوییم میزان این انطباق است. پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی بنا دارد تا برخی مفاد آن را با مبانی حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی (۱۹۶۶)، اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی (۲۰۰۲) و اصول اساسی درباره نقش وکلا (۱۹۹۰) بررسی مقایسه‌ای کند.

پیش از طرح مساله جا دارد گفته شود که قانون آیین دادرسی کیفری در تاریخ چهارم اسفند ۱۳۹۲ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در بیست و ششم اسفند همان سال به تایید شورای نگهبان رسید و در اول اردیبهشت ۱۳۹۳ با پانصد و هفتاد ماده از سوی رییس جمهوری برای اجرا ابلاغ شد که به دلیل مهیا نبودن امکانات و شرایط، اجرای آن به تیر ۱۳۹۴ موکول شد. این قانون، اما در مراحل گوناگون طرح و تصویب موافقان و مخالفانی داشته که آن را تایید کرده یا به نقد کشیده اند. بررسی اینکه قانون جدید از لحاظ حقوق بشری چه مزیت‌ها و معایبی دارد، موضوعی است که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود.

مباحث این بررسی در سه مبحث تنظیم شده است. مبحث اول با الهام از دیدگاه ایجابی، مزایای حقوق بشری قانون حاضر را طی ده عنوان مورد بررسی قرار می‌دهد. مواد مترقی و مبانی نظری همگام با استانداردهای بین‌المللی، سازگاری با حقوق متهم، اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری، توجه ویژه به حقوق اطفال، سالخورده‌گان و زنان، پیش بینی اصل سکوت برای متهم، امکان حضور وکیل از ابتدای بازپرسی، بهینه سازی ساختارها، حمایت از حقوق شهود، شناسایی حق شکایت برای سازمان‌های مردم نهاد، و آموزش ضابطین می‌پردازد. مبحث دوم به دلیل اهمیت موضوعی اصل جبران خسارت برجسته‌تر شده و در ضمن فصلی مستقل اما ذیل رویکرد ایجابی آورده شده است. مبحث سوم نیز با در نظر گرفتن نظریه سلبی در خصوص تغییرات موجود، در دو مبحث، به کاستی‌های این قانون از لحاظ حقوق بشری می‌پردازد. سلب حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی متهمان امنیتی و امکان شروع بازپرسی بدون حضور وکیل ذیل این مبحث بررسی می‌شود.

۱. مزیت‌های حقوق بشری قانون جدید

شاید چنین به نظر برسد که هر تغییر جدید در قوانین ایران لازمه انطباق با زمانه است و بخشی از این مقتضیات زمان در نظر گرفتن اقتضائات حقوق بشری معاصر است. از اینرو از نگاه عمده حقوقدانان، قانون جدید آیین دادرسی کیفری مزیت‌ها و نوآوری‌های زیادی دارد و بسیاری از خالاهای قانون پیشین را برطرف ساخته و در زمینه حقوق متهم، وکیل مدافع، روند دادرسی و تضمینات تحقق دادرسی عادلانه از نکات مثبتی برخوردار است که می‌تواند قانون دادرسی کیفری ایران را به استانداردهای مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشری زمینه ساز سلامت قضایی نزدیک سازد. در میان تحولات انجام شده، سازگاری قانون جدید با حقوق متهم، قانونی بودن آیین دادرسی کیفری، وجه خاص به اطفال، سالخورده‌گان و زنان، پیش بینی اصل سکوت برای متهم، بهینه سازی ساختارها، شناسایی حق شکایت برای سازمان‌های مردم نهاد، و پیش بینی جبران خسارت متهمی که به ناروا بازداشت شده، از جمله مواردی است که مبحث اول این مقاله به آن می‌پردازد.

۱.۱. مواد مترقی و مبانی نظری همگام با استانداردهای بین‌المللی

قانون آیین دادرسی کیفری هر کشور می‌بایست به طور معمول مطابق و همگام با استانداردهای حقوق بشری مصوب، در خصوص رسیدگی به جرایم باشد. این استانداردها در اسناد بین‌المللی متعددی از جمله کنوانسیون منع شکنجه، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر اسنادی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و بسیاری از منابع و اسنادی که جنبه عرف بین‌المللی به خود گرفته اند منعکس شده است. اصول بنگلور (۲۰۰۲)^۱ در مقدمه خود به برخی از مهم‌ترین این اصول اشاره می‌کند. اعلامیه جهانی حقوق بشر این اصل را که هر کس با برابری کامل حق دارد در دعاوی مربوط به حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که به او توجه پیدا کرده است، در یک دادگاه مستقل و بی طرف از رسیدگی منصفانه و علنی برخوردار شود، در زمره حقوق اساسی افراد شناخته است؛ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین می‌کند که کلیه افراد باید در مقابل دادگاه‌ها برابر تلقی شوند و در موارد تصمیم‌گیری در خصوص هر اتهام جزائی یا حقوقی و الزامات افراد در دعاوی حقوقی، هر کس حق دارد بدون هیچ گونه تأخیر غیرموجه در یک دادگاه مستقل و بی طرف که به موجب قانون تشکیل شده است از یک رسیدگی منصفانه و علنی برخوردار شود؛ اصول اساسی سازمان ملل در خصوص نظام قضائی مستقل^۲ به منظور محافظت و ارتقای استقلال قضائی طراحی و تنظیم شده و در درجه اول دولت‌ها را مخاطب خود قرار داده است؛ اصول و حقوق اساسی پیش‌گفته، در اسناد حقوق بشری منطقه‌ای، قوانین اساسی داخلی، اعم از حقوق موضوعه و کامن‌لا، و در معاهدات و سنت‌های قضائی نیز شناسایی یا منعکس گردیده است.

اگر دادگاه‌ها بخواهند نقش خود را در حمایت از قانون اساسی و حاکمیت قانون ایفا نمایند، وجود یک نظام قضائی صالح، مستقل و بی طرف ضروری خواهد بود. مسئولیت اولیه ارتقا و حفظ

1. The Bangalore Draft Code of Judicial Conduct 2001 adopted by the Judicial Group on Strengthening Judicial Integrity, as revised at the Round Table Meeting of Chief Justices held at the Peace Palace, The Hague, November 25-26, 2002

2. Basic Principles on the Independence of the Judiciary, adopted by the Seventh United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders held at Milan from 26 August to 6 September 1985 and endorsed by General Assembly resolutions 40/32 of 29 November 1985 and 40/146 of 13 December 1985

معیارها و استانداردهای متعالی رفتار قضائی در هر کشور بر عهده نظام قضائی قرار دارد. این اصول و ضروریات در مقدمه اصول بنگلور درج شده است و به نظر می‌رسد قانون آیین دادرسی جدید نیز حاوی مواد بسیار روشن و مترقی و به هر حال نسبت به قانون قبلی یک گام رو به جلو و در راستای دستیابی به اصول فوق الذکر و استانداردهایی است که در همه نظام‌های دادرسی دنیا شناخته شده و رعایت می‌شوند. در مباحث بعدی به برخی از این اصول که در قانون آیین دادرسی ذکر شده است مشخصاً اشاره خواهد شد.

۱.۲. سازگاری با حقوق متهم

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تا حدود زیادی با اصولی که حقوق دفاعی متهم را رعایت می‌کند سازگاری دارد. در این قانون، مقررات ناظر به حقوق دفاعی متهم، تحولات مهمی داشته و توجه و حمایت از او از همان ابتدا یعنی مرحله کشف جرم مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است. از استانداردهای حقوق بشری مندرج در این قانون در حمایت از حقوق متهم عبارتند از: ثبت هویت متهم (ماده ۱۹۳)؛ تفهیم اتهام به متهم و اخطار به وی مبنی بر این که مواظب اظهارات خود باشد (ماده ۱۹۵)؛ حق سکوت (مواد ۵ و ۱۹۷)؛ حق تفهیم به زبان دادگاه (ماده ۲۰۰)؛ تنظیم صورتجلسات بازجویی (ماده ۵۳)؛ و حق اطلاع دادن به خانواده و ارتباط داشتن با آن‌ها (ماده ۵۰). میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین می‌کند که کلیه افراد باید در مقابل دادگاه‌ها برابر تلقی شوند و در موارد تصمیم‌گیری در خصوص هر اتهام جزائی یا حقوقی و الزامات افراد در دعاوی حقوقی، هر کس حق دارد بدون هیچ‌گونه تأخیر غیرموجه در یک دادگاه مستقل و بی‌طرف که به موجب قانون تشکیل شده است از یک رسیدگی منصفانه و علنی برخوردار شود. با پیروی از همین قاعده نیز، قانون آیین دادرسی کیفری تأخیرناپذیری بازجویی از متهم و سرعت در دادرسی را در برخی مقررات خود پیش بینی کرده است. به عنوان مثال بر اساس ماده ۹۴، تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست. حق ملاقات با وکیل و پزشک و تماس تلفنی با بستگان در مرحله دخالت ضابطان دادگستری از جمله حقوق متهم در این مرحله است. به موجب ماده ۵۱ از این قانون، بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. همچنین به موجب ماده ۴۹، والدین، همسر،

فرزندان، خواهر و برادر متهم تحت نظر می‌توانند از طریق مراجع مزبور در این ماده از تحت‌نظر بودن آنان اطلاع یابند و در واقع پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت‌نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت‌نظر منافات نداشته باشد، به موجب این قانون ضروری است.

۱.۳. اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری

یکی از اصول اساسی دادرسی منصفانه، قانونی بودن آیین دادرسی کیفری است یعنی شیوه رسیدگی باید مطابق با قانون باشد. این حق در بند یک ماده ۹ میثاق حقوق مدنی سیاسی، پیش بینی شده است بدین مضمون که هرکسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمیتوان خود سرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچ کس نمیتوان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون. همچنین به موجب ماده پانزدهم از میثاق، هیچ کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمیشود و همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آن چه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد. هرگاه پس از ارتکاب جرم قانون مجازات خفیف‌تری برای آن مقرر دارد مرتکب از آن استفاده خواهد نمود. بر همین اساس، ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری با مستند کردن دادرسی به قانون و حقوق دادرسی مساوی در شرایط مساوی بر اصل قانونی و منصفانه بودن دادرسی تأکید می‌کند. به موجب این ماده، «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.»

۱.۴. توجه ویژه به حقوق اطفال، سالخوردگان و زنان

تناسب آیین دادرسی کیفری با توجه به شرایط و نیازهای اطفال و نوجوانان در میثاق حقوق مدنی سیاسی به عنوان یک اصل الزام آور ذکر شده است. به موجب شق ب از بند ۲ ماده ۱۰ میثاق، صغار متهم باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و باید در اسرع وقت به اتهام آنها

رسیدگی گردد. همچنین بر اساس بند ۴ از ماده ۱۴ این سند، آیین دادرسی در مورد افراد جوان باید مطابق سن آنها، مصلحت و اعاده حیثیت آنان در نظر گرفته شود.

در راستای تضمین این دسته از حقوق افراد، تدوین لایحه پلیس ویژه اطفال توسط وزارت دادگستری و توجه ویژه به تشکیل شعبه ویژه اطفال در دادسرا، دادگاه و دادگاه کیفری تحول حقوق بشری بزرگی است که در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مورد توجه قرار گرفته است. پلیس ویژه اطفال به لحاظ روحیه خاص اطفال و نوجوانان تشکیل می‌شود تا با توجه به وضعیت و مصلحت اطفال و نوجوانان با آنها برخورد کنند و قانونگذار همگام با اصول حقوق بشری کودکان به این مطلب مهم توجه داشته که اطفال و نوجوانان روحیه خاص و ویژه خود را دارند. بنابراین می‌توان گفت تغییر شیوه‌های آیین دادرسی در این قانون به نحوی است که علاوه بر اطفال به فرآیند آیین دادرسی سالخورده‌گان و زنان نیز توجه ویژه شده است. به عنوان مثال، به موجب ماده ۴۲، بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.

۱.۵. پیش بینی اصل سکوت برای متهم

اختیار متهم به سکوت و اینکه نمی‌توان وی را وادار به پاسخ دادن کرد، نوآوری دیگری در این قانون است که بر پایه آن متهم می‌تواند سکوت کند و تقاضای حضور وکیل داشته باشد که این موضوع برای اولین بار در قوانین کشور دیده می‌شود. بر همین اساس، ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری جدید تصریح می‌کند در بازجویی‌ها اجبار متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سوالات تلقینی یا اغفال‌کننده یا سوالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و پاسخ‌هایی که ناشی از اجبار و اکراه متهم است، معتبر نیست. به موجب ماده ۱۹۷ نیز متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود. بنابراین اگر متهم اجبار به پاسخ و یک اقدام تحقیقی بدون رعایت این تشریفات انجام شود، آن تحقیق اعتبار ندارد. این اصل بازگویی مجدد اصل ۳۸ قانون اساسی و نیز بند ۹ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ است که بر اساس آن هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر، ممنوع است و اقرارهای گرفته شده

بدین وسیله، حجیت شرعی و قانونی ندارد و به بطلان و قانون جدید آیین دادرسی کیفری امکان استناد بی اعتباری تحقیقات مقدماتی را در این شرایط پیش بینی کرده است.

۱.۶. امکان حضور وکیل از ابتدای بازپرسی

طبق تبصره ذیل ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری پیشین و کلاً اختیار چندانی برای دخالت در پرونده نداشتند و حضور وکیل برای متهم، تنها و به صورت محدود، نزد بازپرسان و دادیاران تحقیق پیش بینی شده بود و این امر در مرحله کشف جرم (یعنی نزد ضابطان دادگستری) میسر نبود. پرونده‌ها بدون حضور وکیل منجر به قرار مجرمیت و صدور کیفرخواست می‌شد و وکیل یا وکلا زمانی می‌توانستند دخالت کنند که پرونده تکمیل شده بود و به دادگاه می‌رفت و اغلب متهمین نیز در آنجا اعلام و اعتراض می‌کردند که حرف‌هایشان تحت فشار بوده است که این قضیه همیشه محل بحث و مناقشه بود. این در حالی است که تمسک به استانداردهای بین‌المللی از جمله میثاق حقوق مدنی سیاسی و امکان حضور وکیل از ابتدای بازپرسی و تحقیقات این شبهه را از بین می‌برد زیرا یکی از حقوق دفاعی متهم نیز حق داشتن وکیل است.

این اصول در برخی از اسناد بین‌المللی پیش بینی شده است. به موجب اصول حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل از توقیف یا حبس^۱ مقرر می‌دارد که فرد بازداشت شده حق دریافت کمک و تماس و مشاوره با مشاور حقوقی را دارد. همچنین، قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان^۲ به ویژه توصیه می‌کنند که معاضدت حقوقی و تماس محرمانه با وکیل باید برای زندانیانی که محاکمه نشده اند تضمین شود.^۳ همچنین تضمینات حراستی است که تضمین کننده حمایت از آن‌هایی است که با مجازات مرگ روبرو هستند.^۴ حق هر مظنون یا متهم به جرمی که مجازات اعدام ممکن است برای آن‌ها اعمال شود را برای معاضدت حقوقی کافی در همه

1. Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment, General Assembly, A/RES/43/173, 76th plenary meeting, December 1988, 43/173

2. Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners, adopted by the First United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, held at Geneva in 1955, and approved by the Economic and Social Council by its resolutions 663 C (XXIV) of 31 July 1957 and 2076 (LXII) of 13 May 1977

3. Economic and Social Council 663, 1957

4. Safeguards guaranteeing protection of the rights of those facing the death penalty, Approved by Economic and Social Council resolution 1984/50 of 25 May 1984

مراحل رسیدگی و مطابق با ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی تصدیق می‌کنند. این الزامات به ویژه در اصول اساسی درباره نقش وکلا، مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان، هاوانا، کوبا، ۲۷ اوت تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ مورد تأکید قرار گرفته است.

در راستای این ضرورت و همگام با اصول حقوق بشری متهم، ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به متهم اجازه می‌دهد در مرحله تحقیقات یک وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد و این حق را قبل از شروع تحقیقات بازپرس باید به متهم ابلاغ و تفهیم کند و حتی اگر متهم احضار شود این حق باید روی برگه قید و به او ابلاغ شود. مطابق همین ماده وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم می‌داند اظهار کند و اظهارات وکیل نیز در صورت جلسه نوشته می‌شود. تبصره‌های ذیل ماده فوق نیز دارای ارزش حقوق بشری پیشرفته‌ای است. تبصره ۱ ذیل ماده ۱۹۰ تأکید می‌کند که سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود و این در حالیست که موضوع نبودن وکیل به همراه متهم همیشه باعث مناقشه بوده است. در تبصره ۲ این ماده نیز قید شده که «در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.» بدین معنا که اگر متهمی اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی نکند بازپرس مکلف است که برای او وکیل تسخیری انتخاب کند، البته اگر جرایم از زمره جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد محدودیت‌هایی وجود دارد. به موجب ماده ۱۹۱، چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بدانند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.

با این حال این قانون دو محدودیت را در خصوص حضور وکیل از ابتدای مراحل رسیدگی مورد در نظر گرفته است:

نخست به موجب ماده ۱۹۱، ضابطان دادگستری حق جلوگیری از حضور وکیل را در موارد محرمانه بدون تحقیقات و مذاکرات دارند. دوم، به موجب تبصره ماده ۴۸، در مورد جرمهای مهم مانند جرائم سازمان یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روانگردان حق ملاقات با وکیل در ابتدای تحت نظر وجود نداشته و وکیل فقط مجاز است که پس از سپری شدن یک هفته از شروع تحت نظر با موکل خود ملاقات کند. بی تردید، پیش بینی چنین مواردی در واقع به معنای اولویت دادن نظم عمومی است و در مواردی که ضابطان تشخیص دهند که ملاقات با وکیل با محرمانه بودن تحقیقات در تعارض است با دستور مقتضی مراتب را به اطلاع متقاضی می‌رسانند که این دستور نیز قابل اعتراض است.^۱

۱.۷. بهینه سازی ساختارها

قانون جدید آیین دادرسی کیفری ایران در اجرای اصول پذیرفته شده جهانی اقدام به تغییر و اصلاحاتی در ساختار و تشکیلات کیفری نموده است. احیای دادسراهای استانی و همچنین بازگرداندن اختیارات دادستان کل از مزیت‌های قانون جدید است. بعد از انحلال دادسرای استان در سال ۸۵ و انحلال دادسراها در سال ۷۴، عملاً نظارت متمرکز بر دادسراها و ضابطین از بین رفت و امکان این نظارت نیز از طریق دادگاه نیز میسر نبود، که با این روش میسر خواهد بود. با تغییر در ساختار دادگاه‌ها، نظام دادرسی ایران به سمت نزدیک شدن به سیستم موجود در دنیا می‌رود. به عنوان مثال برای دادگاه انقلاب که در گذشته امکان حضور وکیل در آنجا نبود با قانون جدید وکیل می‌تواند حضور پیدا کند و قابلیت تجدید نظر برای آرای دادگاه انقلاب که قابل تجدید نظر نبود در نظر گرفته شده است. در حقیقت، در این قانون رویه واحدی برای آیین دادرسی در نظر گرفته شده است به طوری که دادرسی در دادگاه‌های عمومی، اختصاصی و نظامی روند واحدی را پیدا می‌کند که در راستای تحقق سیاست‌های ابلاغی قوه قضائیه از سوی مقام معظم رهبری این وحدت رویه به وجود آمده است.

با اجرای قانون آیین دادرسی کیفری جدید رسیدگی به برخی پرونده‌ها با تعدد قاضی پیش بینی شده است. برخی پرونده‌های با مجازات سنگین با حضور چند قاضی برگزار می‌شود و پرونده پس

۱. ساقیان، محمدمهدی «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری مصوب ۹۲»، فصلنامه حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۳ (ص ۶)

از بررسی دادستان به بازپرس سپرده خواهد شد. این امر در راستای حمایت از متهم و پیشگیری یا کاهش اشتباه قضات است. ایجاد تغییرات در ساختار محاکم قضایی از امتیازات این قانون است. پیش‌بینی و تجویز دادرسی و دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان و پرونده شخصیتی برای آنها، دادگاه الکترونیک و محوریت بازپرس در تحقیق و تعقیب، مزیت‌های ساختاری و سازمانی هستند که در قانون آیین دادرسی جدید دیده می‌شود. ایجاد یکپارچگی در مقررات آیین دادرسی کیفری، در نظر گرفتن رویه‌ای واحد برای آیین دادرسی، از مزایای دیگر این قانون معرفی شده است. بدین ترتیب دادرسی در دادگاه‌های عمومی، اختصاصی و نظامی، دارای روند واحدی خواهند شد.

۱.۸. حمایت از حقوق شهود

در این قانون شرایط خاصی برای حمایت از شهود در نظر گرفته شده که بر اساس آن شاهد می‌تواند غیرحضور شهادت دهد و هویت او مخفی بماند. به عنوان نمونه بر اساس ماده ۴۰، افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.

۱.۹. شناسایی حق شکایت برای سازمان‌های مردم‌نهاد

شناسایی حق طرح شکایت برای سازمان‌های مردم‌نهاد، از نوآوری‌های موثر قانون جدید به شمار می‌رود. به موجب ماده ۶۶ از این قانون، سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان و اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های یادشده اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت کرده و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض کنند. این حق بر اساس اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵، مورد شناسایی قرار گرفته است. به موجب ماده ۱۴ از این اعلامیه، قربانیان باید بتوانند از طریق سازمان‌های دولتی و انجمن‌های عام‌المنفعه، انجمن‌های محلی و بومی از معاضدت‌های لازم مادی، درمانی، روانی و اجتماعی برخوردار شوند.

۱.۱۰. شرایط ضابطین

شرایط خاص ضابطان قضایی و آرایه آموزش‌های لازم و همچنین در اختیار داشتن کارت ضابطی برای آنان از مزایای قانون جدید است. بر پایه اسناد بین‌المللی از جمله ماده یک بر اساس نظامنامه رفتار مأموران نیروی انتظامی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۳۴/۱۶۹ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹، در همه اوقات مأموران نیروی انتظامی وظایف محوله قانونی خود را با خدمت به جامعه و حفاظت از کلیه اشخاص علیه اعمال غیرقانونی و منطبق با میزان زیادی از مسئولیت که لازمه حرفه شان است ایفا می‌نمایند. تفسیر مندرج در این سند بین‌المللی توضیحی در خصوص تعریف مأمور نیروی انتظامی ارائه می‌دهد که به مفهوم ضابطین در قانون آیین دادرسی کیفری مرتبط است. به موجب این سند، (الف) واژه «مأموران نیروی انتظامی» شامل کلیه افسران نیروی انتظامی اعم از منصوب یا منتخب است که اختیارات پلیسی خود به خصوص اختیارات دستگیری یا بازداشت را اعمال می‌کنند. (ب) تعریف مأموران نیروی انتظامی در کشورهایی که اختیارات پلیس توسط مقامات نظامی اعم از لباس متحدالشکل یا بدون آن یا توسط نیروهای امنیت کشور اعمال میشود، شامل افسرانی است که چنین خدماتی ارائه می‌دهند.

به موجب بند ب ماده یک آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری، کارت ویژه ضابط دادگستری کارتی است متحدالشکل که حاوی عکس و هویت، شماره شناسائی اختصاصی، حوزه محل اشتغال و تاریخ صدور و امضاء دادستان می‌باشد و معرف آن است که صاحب کارت، مجاز به انجام وظایف محوله به عنوان ضابط دادگستری می‌باشد. همچنین به موجب بند پ از همین ماده، ضابطان تحت دوره‌های آموزشی‌ای قرار می‌گیرند که برای کسب مهارت‌های لازم و انجام وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار می‌شود. لازم به ذکر است که صدور کارت ویژه ضابط دادگستری منوط به دریافت گواهینامه گذراندن دوره آموزشی و تأیید دادستان خواهد بود (ماده ۱۲) و نمونه متحدالشکل کارت ویژه ضابط دادگستری توسط دادستان کل کشور تهیه و به دادرهای کل کشور ابلاغ خواهد شد (ماده ۱۳). همچنین تمدید کارت مذکور منوط به شرکت ضابطان در دوره‌های آموزشی حین خدمت و قبولی در این دوره می‌باشد (ماده ۱۴).

۲. اصل جبران خسارت به مثابه حقوق بشر

پیش‌بینی جبران خسارت متهمی که به ناروا بازداشت شده است بسیار مهم است از اینرو شاید اختصاص مبحثی در این باب خالی از فایده نباشد، از اینرو که قانون جدید به این مساله عنایت داشته، اما ابعادی هم باید شفاف‌تر گردد. توضیح آنکه از منظر شرعی و عقلی عدم رعایت این حق موجب دین است. لذا بسیاری از حقوق متهم در اسناد حقوق بشری از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی درج شده است و به نظر می‌رسد مقررات جدید قانون آیین دادرسی نیز همگام با همین استانداردها تدوین شده باشد. در این بخش مفادی که عیناً یا با تغییراتی در مقررات جدید آیین دادرسی به کار رفته اند بررسی و مفاد مرتبط با حقوق متهم و مکانیسم‌های قانون آیین دادرسی جدید برای جبران خسارات ناروایی که به وی وارد شده بررسی می‌شود.

میثاق از جمله از جمله اسناد بین‌المللی است که در مفاد خود به حقوق متهم اشاره می‌کند. بند ۴ و ۵ از ماده ۹ میثاق به حقوق متهم در شرایطی که به طور غیرقانونی بازداشت شده است بالاخص حق وی به جبران خسارت اختصاص داده شده است.

یکی دیگر از اسنادی که به حق جبران خسارت اشاره می‌کند، اصول اساسی و قوانین بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین‌المللی، مصوب قطعنامه ۶۰/۱۴۷ مجمع عمومی مورخ ۱۶ دسامبر ۲۰۰۵، می‌باشد. ضمیمه سند مذکور با تأیید اینکه اصول اساسی و رهنمودهایی که ارائه می‌دهد نقض آشکار قوانین بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر را که به دلیل شدت جرم هتک حرمت انسانی به شمار می‌آید، مد نظر قرار داده است، اصول اساسی و رهنمودهایی را تصویب می‌کند که برخی از آنها به قرار زیر می‌باشند:

- التزام به رعایت قوانین بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر؛
- گنجاندن معیارهای قوانین بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر در قوانین داخلی و یا اجرای آن در نظام قضائی ملی؛
- وضع روال‌های قانونی و اداری مناسب و کارآمد و نیز موازین لازم جهت تضمین دسترسی منصفانه، مؤثر و سریع به دادرسی؛
- تضمین امکان دادخواهی کافی کارآمد، سریع و مناسب، از جمله جبران خسارت؛
- حصول اطمینان از اینکه قوانین داخلی حداقل حمایت‌هایی را که طبق الزامات بین‌المللی کشور برای قربانی پیش‌بینی شده است تضمین کرده باشند؛

- اتخاذ موازین قانونی و اداری مناسب و همچنین موازین لازم دیگر جهت پیشگیری از نقض حقوق؛
 - انجام تحقیقات مؤثر، سریع، جامع، بیطرفانه در مورد نقض حقوق و در صورت مقتضی اتخاذ موازین علیه افراد مسئول طبق قوانین داخلی و بین‌المللی؛
 - تضمین دسترسی بالفعل و تحت شرایط برابر به عدالت، برای افرادی که مدعی تحمل آسیب و زیان از نقض حقوق بشر شده اند، بدون توجه به موقعیت اشخاص مسئول نقض حقوق؛
 - تأمین وسائل دادخواهی از جمله جبران خسارت.
- این سند همچنین واژه قربانی را تعریف و آن را به متضررین از جرم، صرف نظر از شناسایی، توقیف، تعقیب کیفری، و یا محکومیت عاملین جرم و یا وجود نسبت خانوادگی متضرر با آنها، اطلاق می‌کند.^۱ سپس در خصوص حق قربانی بر دادخواهی اعلام می‌دارد که حق قربانیان نقض آشکار قوانین بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر بر دادخواهی شامل تضمینات به شرح زیر است:
- الف) دسترسی بالفعل به دادرسی و برخورداری از اصل برابری در احقاق حق؛
- ب) ترمیم عادلانه، بالفعل و سریع خسارت وارده؛
- ج) دسترسی به اطلاعات سودمند مربوط به نقض حقوق و سازوکارهای جبران خسارت.
- بر پایه ماده ۸ از اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت، که به ترمیم و جبران خسارت می‌پردازد، مجرمین و یا اشخاص ثالث مسئول اعمال آن‌ها، بایستی در صورت لزوم، خسارت قربانی، خانواده و یا افراد تحت تکفل او را به صورتی عادلانه جبران کنند. جبران خسارت باید شامل استرداد اموال، پرداخت ضرر و زیان، بازپرداخت مخارج ناشی از جرم، تأمین خدمات، و مخارج احقاق حقوق قربانی باشد. به موجب ماده ۹ نیز دولت‌ها بایستی با تجدیدنظر در رویه عملی و مقررات و قوانین خود، امکان صدور آرای جداگانه جبران خسارت در امور کیفری را در کنار سایر احکام کیفری پیش‌بینی کنند. بر اساس ماده ۱۰ این سند، هر گاه

۱. به موجب اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت، واژه «قربانیان» به افرادی اطلاق می‌شود که به طور انفرادی یا جمعی، در اثر فعل یا ترک فعلی که ناقض قوانین جاری کیفری و قوانین مربوط به سوءاستفاده از قدرت در یک کشور عضو [سازمان ملل متحد] است، متحمل خسارت از جمله آسیب جسمی یا روانی، رنجی روحی یا ضرر اقتصادی شده اند و یا حقی از حقوق بنیادینشان به طرزی فاحش نقض شده است. به موجب ماده ۲ از اعلامیه مذکور، واژه قربانی به متضررین از جرم، صرف نظر از شناسایی، توقیف، تعقیب کیفری، محکومیت عاملین جرم و یا وجود نسبت خانوادگی متضرر با آنها، اطلاق می‌شود. واژه «قربانی» همچنین حسب مورد، خویشاوندان بلافصل و افراد تحت تکفل و افرادی که در اثر مداخله جهت کمک به قربانی در مخمصه و یا ممانعت از ارتکاب جرم خسارت دیده‌اند را نیز دربرمی‌گیرد.

جرم موجب ایراد خسارت سنگین به محیط زیست شود، جبران خسارت بایستی حتی‌المقدور ترمیم محیط زیست، بازسازی تأسیسات، ترمیم تجهیزات عمومی، بازپرداخت هزینه‌های اسکان مجدد افراد در مواردی که جرم موجب از هم‌پاشیدگی و بی‌خانمانی ساکنین این مساکن شده باشد را نیز دربرگیرد.

همچنین این سند بین‌المللی الزام می‌کند که هنگامی که نقض قوانین کیفری در اثر اقدامات کارمندان دولت و یا افراد دیگری که تحت عنوان رسمی یا شبه رسمی عمل کرده‌اند، انجام گرفته باشد، کشور حوزه اشتغال کارمند یا مأمور مسئول موظف به جبران خسارت قربانی است. در صورت برکناری دولتی که فعل یا ترک فعل موجب خسارت، تحت حاکمیت او انجام گرفته است، قدرت حاکمه و یا دولت جانشین مسئول پرداخت خسارت خواهد بود.

در مقابل، قانون جدید آیین دادرسی کیفری حق متهم برای جبران خسارت مدت بازداشت موقت را در شرایطی به رسمیت شناخته است. به موجب ماده ۲۵۵، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضائی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند. افزون بر این، قانونگذار به منظور تسریع در جبران خسارت مدت بازداشت، درخواست رسیدگی به درخواست شخص بازداشت شده را به کمیسیون استانی تشکیل شده از سه دادرس دادگاه تجدیدنظر واگذار کرده است.

۳. معایب یا نواقص محتمل از منظر حقوق بشری

هر طرح، برنامه و قانونی بدون اشکال و ایراد نیست و با وجود نوآوری‌ها و زوایای مثبت قانون جدید آیین دادرسی کیفری نقدهایی نیز بر آن وارد شده است. با در نظر گرفتن اسناد فوق‌الذکر در عرصه بین‌المللی که جمهوری اسلامی نیز خود را متعهد به آنها کرده است برخی حقوق می‌تواند تقویت شود تا این قانون حداقل برای دوره‌ای کاملاً عاری از خدشه باشد. مثلاً سلب حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی متهمان امنیتی و تعارض با حقوق شهروندی، و امکان شروع بازپرسی بدون حضور وکیل نمونه‌هایی از نقدهایی است که به این قانون گرفته شده است.

۳.۱. سلب حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی متهمان امنیتی

اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً به حق برخورداری از وکیل اشاره کرده است. ماده ۱۴ بند ۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و نیز ماده ۱۱ کنوانسیون حقوق بشر نیز بر این اصل تأکید نموده اند. با این حال، یکی از مهم ترین نقدها به قانون جدید سلب حق داشتن وکیل از متهمان امنیتی در دوران تحقیقات اولیه پرونده است در تبصره ماده ۴۸ که به این موضوع اختصاص دارد مصوب شده که مانند بعضی مواردی که در سازمان قضایی نیروهای مسلح مطرح می شود و فقط وکلای خاصی می توانند در این پرونده ها وکالت متهمان را به عهده بگیرند؛ در این باره هم وکلای خاصی که به تأیید قوه قضاییه می رسند، می توانند وکالت متهمان را به عهده بگیرند، و این موضوع استقلال و کالا را زیر سوال می برد. این در حالی است که در قانون جدید آیین دادرسی کیفری که توسط قوه قضاییه تدوین و تقدیم مجلس شد و مجلس آن را عیناً تصویب کرده بود، به این ضرورت حقوق بشری اشاره شده بود و در تحقیقات مقدماتی هم وکیل اجازه حضور در کنار متهم را داشت و اگر قاضی ممانعت می کرد، تحقیقات انجام شده باطل بود. لکن کمیسیون قضایی مجلس این مصوبه قبلی را نقض کرده و تبصره ای را به آن اضافه کرد که بر اساس این تبصره وکلایی اجازه حضور در کنار متهم را دارند که مورد تأیید قوه قضاییه باشند و در اقدام بعدی نیز ابطال تحقیقات مقدماتی را لغو کردند. این اصلاحات انجام شده اکثراً برخلاف آرمان های اساسی حقوق شهروندی است در حالی که لایحه ای که پیشتر به مجلس ارایه شده بود در این مورد خاص مطابق مشورت و اجتماع دانشمندان حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری و تا حدودی مطابق استانداردهای حقوقی جهانی به شمار می آمد. نظر به اینکه اصلاحاتی که در مورد این قانون جدیداً اتفاق افتاد، ناقض آرمان های عالی بین المللی نظام است، در اینجا سوالی پیش می آید که چرا قانونی که هنوز اجرا نشده و به تجربه عملی نرسیده است قانون گذار به یک باره آن را اصلاح می کند.^۱

با توجه به ایراد مزبور، در این بخش به بررسی مفادی از اسناد و استانداردهای بین المللی مرتبط می پردازیم. بر اساس ماده بیست و یکم میثاق، حمایت کافی از حقوق بشر و آزادی های بنیادین که همه افراد مستحق آن هستند خواه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، خواه مدنی و سیاسی باشند

۱. حاج محمود عطار، پیمان «اجرای ماده ۴۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، خلاف حقوق شهروندی است»، خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی، چهارشنبه ۳ تیر ۱۳۹۴ (ص ۱۴)

مستلزم آن است که همه افراد دسترسی مؤثر به خدمات حقوقی حرفه حقوقی مستقل داشته باشند. اصول اساسی درباره نقش وکلا^۱، نیز با توجه به اصول حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل از توقیف یا حبس مقرر می‌دارد که فرد بازداشت شده حق دریافت کمک و تماس و مشاوره با مشاور حقوقی را دارد. قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان نیز اشاره می‌کنند که معاضدت حقوقی و تماس محرمانه با وکیل باید برای زندانیانی که محاکمه نشده اند تضمین شود. همچنین، تضمینات حراستی تضمین کننده حمایت از آنها^۲ که با مجازات مرگ روبه رو هستند حق هر مظنون یا متهم به جرمی که مجازات اعدام ممکن است برای آن‌ها اعمال شود را برای معاضدت حقوقی کافی در همه مراحل رسیدگی و مطابق با ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی تصدیق می‌کنند.

در خصوص دسترسی به وکلا و خدمات حقوقی، اصول اساسی راجع به نقش وکلا بیان می‌کند که همه اشخاص حق دارند تا به انتخاب خود از یک وکیل کمک بخواهند تا در همه مراحل رسیدگی کیفری از حقوقشان حمایت و دفاع کند. بر این اساس، دولت‌ها باید آیینهای مؤثر و روشهای پاسخدهنده برای دسترسی مساوی و مؤثر به وکلا برای همه افراد در قلمروشان و تحت صلاحیتشان را بدون تمایز از هر نوع مثل تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، منشأ قومی، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا غیر آن، منشأ اجتماعی یا ملی، مال، تولد، وضعیت اقتصادی یا غیر آن تضمین کنند.

در خصوص تضمینات خاص در موضوعات عدالت کیفری، اصول اساسی راجع به نقش وکلا بیان می‌کند که دولت‌ها باید تضمین کنند که همه اشخاص هنگام دستگیری یا بازداشت یا وقتی که به یک جرم کیفری متهم می‌شوند بلافاصله توسط یک مقام صالح از حقشان در کمک خواستن از یک وکیل به انتخاب خودشان آگاه خواهند شد. در این خصوص، این اصول بیان می‌کنند که هر یک از چنین اشخاصی که وکیل ندارند باید در تمام موارد که عدالت چنین اقتضا می‌کند حق داشتن وکیلی باتجربه و باصلاحیت متناسب با ماهیت جرم نسبت داده شده به آنها را داشته باشند تا کمک حقوقی مؤثر را بدون پرداخت پول ارائه کند، در صورتی که آنها منابع کافی برای پرداخت در مقابل چنین خدماتی را نداشته باشند. دولت‌ها باید همچنین تضمین کنند که همه

۱. اصول اساسی درباره نقش وکلا، مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان، هاوانا، کوبا، ۲۷ اوت تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰.

اشخاص دستگیر یا بازداشت شده با اتهام کیفری یا بدون آن دسترسی فوری به وکیل خواهند داشت و در هر صورت دیرتر از ۴۸ ساعت از زمان دستگیری یا بازداشت نخواهد شد. بدین ترتیب، باید به همه اشخاص دستگیر، بازداشت یا زندانی شده امکان، فرصت و تسهیلات کافی جهت ملاقات و تماس و مشاوره با یک وکیل بدون تأخیر، ممانعت یا سانسور عقاید و به طور کاملاً محرمانه داده شود. چنین مشاوره هایی ممکن است تحت نظر مقامات اجرائی انجام شود اما نباید قابل استماع باشد. همچنین هیچ دادگاه یا مقام اداری که حق مشاوره در مقابل آن شناخته شده است نباید از شناسایی حق یک وکیل در حضور نزد آن از جانب موکلش امتناع کند مگر آنکه وکیل بر طبق قانون و رویه ملی و مطابق با این اصول صلاحیت نداشته باشد.

در خصوص تبصره ماده ۴۸ این قانون، نظر به اینکه قانون گذار محدوده اختیارات رئیس قوه قضاییه را جهت تعیین وکلا برای پرونده های امنیتی - که مجاز به اعلام وکالت هستند - مشخص نکرده است، در این زمینه اختیار کامل به رئیس قوه قضاییه داده شده است که این موضوع با اصل استقلال وکیل، اصل ۳۵ قانون اساسی و کنوانسیون های بین المللی مغایرت دارد. در هر حال، این شائبه وجود دارد که وکیلی که با صلاحدید قوه قضاییه، که خود یک طرف محاکمه است، انتخاب می شود، ممکن است دلسوزی لازم را نداشته باشد یا اظهاراتی که از وی گرفته شود بی طرفانه نباشد.

۳.۲. امکان شروع بازپرسی بدون حضور وکیل

برخی از حقوق لازمه در قانون هرچند انتقاد حقوق بشری بر آنها وارد نیست منتها از منظر حقوق شهروندی قابل چانه زنی است. مثلاً بر پایه ماده ۴۸ قانون جدید، با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یکساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد. ماده ۴۸ یادشده، سخنی از ضرورت تفهیم حق داشتن وکیل به متهم در ابتدای مرحله تحت نظریه میان نیاورده است. عدم تفهیم این حق در قانون جدید ضمانت اجرا ندارد و این مسئله را میتوان از جمله مواردی دانست که لطمه اساسی به حقوق و منافع متهم وارد می سازد. این پرسش درباره ماده ۴۸ مطرح است که آیا آگاه کردن شخص تحت نظر از این حق و دعوت وکیل وی کافی

است و ضابطان می‌توانند قبل از رسیدن وکیل، بازجویی خود را آغاز کنند؟ ضابطان بر اساس این ماده فقط مکلف به تماس با وکیل شخص تحت نظرند ولی تکلیفی درمورد نتیجه این تماس یعنی حضور یا عدم حضور وکیل در این ماده بیان نشده است زیرا وکیل، گاهی امکان مراجعه به کالنتری را نداشته و گاهی تمایل به این کار ندارد.^۱

۱. ساقیان، محمدمهدی «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری مصوب ۹۲»، فصلنامه حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۳ ص ۶

نتیجه گیری

اصول کلی قوانین آیین دادرسی در ذیل حقوق بشر قرار می‌گیرند لذا از نسبت دخالت سلیقه‌ای دولت باید در امان باشند. براین اساس هم اغلب تحولات حقوق بشری در مقررات جدید قانون آیین دادرسی حول دادرسی منصفانه و استانداردهای بین‌المللی در حال شکل‌گیری است. این تحولات از جمله اصل برابری با سایر طرف‌های دعوای کیفری، مطابق با استانداردهای حقوق بشری از جمله اصل پنجم اصول بنگلور است که رفتار برابر و یکسان با تمام افراد در دادگاه‌ها را شرط ضروری برای عملکرد صحیح دستگاه قضائی می‌داند. تحولات مزبور تا آنجا پیش می‌رود که تضمین آزادی‌های فردی، اصل برائت و حقوق دفاعی متهم این شائبه را ایجاد می‌کند که آیا تقویت حقوق دفاعی متهم در پاره‌ای از موارد به برهم خوردن این تعادل به سود متهم نمی‌انجامد؟ به عنوان مثال، در مرحله تحقیقات مقدماتی، شخص متهم می‌تواند با مطالعه پرونده از هویت شهود پرونده آگاه شده و در موارد لزوم، آنان را تحت فشار قرار دهد. به این ترتیب، امکان مطالعه پرونده کیفری توسط متهم احساس ناامنی شهود پرونده را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، تصویب بودجه مناسب در راستای تعیین وکیل رایگان برای متهمانی که توان مالی مناسب برای انتخاب وکیل ندارند، پیش‌بینی صندوق به منظور جبران خسارت مدت بازداشت شخص بی‌گناه، که همگام با استانداردهای بین‌المللی از جمله اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت می‌باشد، ضرورت تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط و آموزش ضابطان و مقام‌های دادسرا در راستای پرهیز آنان از اجرای این نوآوری‌ها را بیش از پیش نمایان می‌سازد. با توجه به بررسی استانداردهای بین‌المللی موجود و مقایسه آن با قانون جدید آیین دادرسی باید پذیرفت که این تحولات، چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست و در واقع دل‌نگرانی رعایت کرامت انسانی شهروندان در دادگستری در مراحل مختلف فرایند رسیدگی موجب تصویب این مقررات توسط قانونگذار شده است. لذا براساس نتایج حاصل از تحقیق، می‌توان گفت که در مجموع انعکاس استانداردهای بین‌المللی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مطلوب می‌باشد، علی‌الخصوص با لحاظ این واقعیت که اصول فوق، در منابع اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته‌اند. لکن در پاره‌ای از مفاد

این قانون نقائصی مشهود است که سلب حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی متهمان امنیتی و امکان شروع بازپرسی بدون حضور وکیل از جمله این نقائص می‌باشند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. امید، جلیل، «حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران) پاییز ۱۳۷۹ - شماره ۴۹.
۲. اصول اساسی درباره نقش و کلا، مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان، هاوانا، کوبا، ۲۷ اوت تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰.
۳. اصول اساسی و قوانین بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین‌المللی، مصوب قطعنامه ۶۰/۱۴۷ مجمع عمومی مورخ ۱۶ دسامبر ۲۰۰۵.
۴. اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵.
۵. حاج محمود عطار، پیمان «اجرای ماده ۴۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، خلاف حقوق شهروندی است»، خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی، چهارشنبه ۳ تیر ۱۳۹۴.
۶. ساقیان، محمد مهدی «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری مصوب ۹۲»، فصلنامه حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۶ زمستان ۱۳۹۳.
۷. قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، مجلس شورای اسلامی (همراه با اصلاحات سال ۱۳۹۴).
۸. میثاق حقوق مدنی سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
۹. نظامنامه رفتار مأموران نیروی انتظامی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۳۴/۱۶۹ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹.

منابع انگلیسی

10. *Basic Principles on the Independence of the Judiciary*, adopted by the Seventh United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders held at Milan from 26 August to 6 September 1985 and endorsed by General Assembly resolutions 40/32 of 29 November 1985 and 40/146 of 13 December 1985.
11. *Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment*, General Assembly, A/RES/43/173, 76th plenary meeting, December 1988, 43/173.

12. *Safeguards guaranteeing protection of the rights of those facing the death penalty*, Approved by Economic and Social Council resolution 1984/50 of 25 May 1984.
13. *Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners*, adopted by the First United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, held at Geneva in 1955, and approved by the Economic and Social Council by its resolutions 663 C (XXIV) of 31 July 1957 and 2076 (LXII) of 13 May 1977.
14. *The Bangalore Draft Code of Judicial Conduct* 2001 adopted by the Judicial Group on Strengthening Judicial Integrity, as revised at the Round Table Meeting of Chief Justices held at the Peace Palace, The Hague, November 25-26, 2002.